

خیلی وقت‌ها یکی برای کاری بیش از حد جوش می‌زند به او می‌گوییم حرص نخور.

اینکه حرص و جوش از کجا با هم گره خورده‌اند نمی‌دانیم اما در هم‌خانواده بودن حرص با جوش خوردن قطعا شکی نیست؛ چیزی است که به‌خصوصیات خود حرص برمی‌گردد. کمی جلوتر متوجه می‌شویم که انگار باید بگوییم حرص نخوردت! اما قبل از اینکه از اوصاف جناب حرص بیشتر بگوییم باید اول حرص را بشناسیم تا بدانیم در مورد چه می‌خواهیم بنویسیم و بحث کنیم.

1- تکلیف خودتان را با دنیا روشن کنید

2- به خدا اطمینان کنید

به خدايمان، كم، بشت اطمینان، كنم.

3- فریب حرص را نخورید

پس به عنوان يك قرار با خود، هر وقت آثار فريب حرص ظاهر شد بدانيد در آستانه خط قرمز ضرر و زيان قرار گرفته ايد. چنډ قدم آن، طفت بدتگاه است. بس، حلت نهد.

4- با حرص لجبازی کنید

صفحه 111

همه انواع حرص بد نیستند. شاید عجیب باشد اما حرص و حریص خوب هم وجود دارد. مانند خیلی دیگر از صفاتی که ما آنها را بد می‌دانیم اصل و ریشه یک صفت گاهی صرفاً یک گرایش است و وقتی شکل بد پیدا می‌کند که در مسیر انحرافی آن گرایش قرار بگیرد. حسد، حرص یا مانند اینها اشکال انحرافی گرایش‌هایی هستند که می‌توانند در شکل درستشان به غیظه و رقابت و تلاش و پیشرفت تبدیل شوند. پس ما حرص خوب هم داریم. حرص زدن برای کسب علم، حرص زدن برای دانستن بیشتر، حرص زدن برای بهتر شدن، حرص زدن یا حرص خوردن برای پیشرفت علمی و معنوی؛ اینها تمام انواع جایگزین خوب برای حرص زدن‌های بد و حرص خوردن‌های بی‌دلیل هستند. پس تا می‌توانید حریص خوبی‌ها باشید و حرص خوب‌تر شدن نند.

6- آرامش را جایگزین بی‌تابی کنید

ثروتمندان زیادی را دیده‌ایم که پول دارند اما آرامش ندارند. دارایی دارند اما آسایش ندارند. **امام صادق (ع)** می‌فرماید: حریص از 2 خصلت محروم شده و در نتیجه 2 خصلت را با خود دارد: از قناعت محروم است و در نتیجه آسایش را از دست داده است، از راضی بودن محروم است و در نتیجه یقین را از دست داده است. اگر به دنبال ثروت واقعی هستید باید آن را در آرامش و آسایش، هسته‌ها کنید. اگر نه، آه، آه، آه! شما بگنند نقض، غرض، کرده‌اند، بس، آه، آه، آه! گم نکنند. 7- ثروتمند شوید نه ثروت‌بند

پول و دارایی چیزهای بدی نیستند. وقتی بد می‌شوند که به‌جای اینکه ما مالکشان باشیم، آنها مالک ما می‌شوند. وقتی آنها از ما سواری بگیرند، وقتی ما بشویم مرکب حرص و حرص بشود سوار ما، آن وقت است که به سمت و سوی هر دره و پرتگاهی می‌دواند ما را. می‌شود عنان کار را به دست گرفت و به حرص گفت تو مرکب من باش. تو برای من بدو و مرا به شتاب به سمت و سویی که می‌خواهم ببر. خب حالا که می‌شود به‌جای اینکه حرص از شما سواری بگیرد شما از حرص سواری بگیرید، آن وقت سریع‌تر و با اشتیاق می‌شود به سمت بهترین هدف‌ها با حرص پیش رفت. **علی (ع)** فرموده: غنی‌ترین اغنیا کسی است که اسیر حرص، نباشد. (بحار الانوار، ج 77، ص 187، ح 37) بس، نه‌تمند شمد نه‌ت‌بند. حرص چیست و چه می‌شود که حرص می‌زنیم؟

امیرمؤمنان **علی (ع)** تعبیر بسیار جالبی در تعریف حرص دارد، هنگامی که از ایشان پرسیدند حرص چیست؟ فرمود: حرص آن است که انسان چیز کمی را جست‌وجو کند در برابر چیز بسیاری که از دست می‌دهد!

بارها شده افراد مسنی را دیده‌ایم که بعد از 70-80 سال عمری که از خدا گرفته‌اند هنوز که هنوز است حرص مال دنیا را می‌زنند. شاید میلیاردها ثروت و دارایی جمع کرده‌اند اما طوری دنبال ریال و دلار به نرخ روزند که شب و روز را نمی‌شناسند. خواب و خوراک هم ندارند. اصلاً از خودشان نمی‌پرسند مگر چند روز دیگر زنده‌اند و اگر دارایی‌شان را بر روزهای مانده عمرشان تقسیم کنند حتی امکان خرجش را هم پیدا نمی‌کنند. با هیچ منطقی آدم نمی‌فهمدشان. با اینکه می‌دانند چند صباحی بیشتر زنده نیستند دست از عطش سیری‌ناپذیرشان برای دنیاطلبی برنمی‌دارند. آدم را یاد بیماری استسقاء و جوع می‌اندازند که نه آب و نه خوراک هیچ‌کدامشان درد تشنگی و گرسنگی مرضشان را چاره نمی‌کنند. در واقعیت هم حرص نسخه روحی- روانی بیماری استسقاء است؛ عطشی سیری‌ناپذیر برای جمع کردنی کور و بی‌هدف. مثل تشنگانی که هر چه از آب شور دریا می‌خورند تشنه‌تر می‌شوند، نه دریا دریا آب، سیرابشان می‌کند نه خوردن تمام دنیا.

حرص مانند بسیاری از مشکلات مشابه‌اش نخستین نقطه‌ای را که از کار می‌اندازد عقل آدمی است. عقل که از کار افتاد هدف و منطق از افعال آدم گم می‌شود.

این است که شخص از یاد می‌برد که پول و مال دنیا را برای چه می‌خواهد. فقط حرص می‌زند. یادش می‌رود که پول برای آسایش و آرامش زندگی است نه اینکه آسایش و آرامش زندگی، فدای پول. بیش از همه خودش را رنج می‌دهد و حتی بهره‌ای از دارایی‌ای که دارد هم نمی‌برد و غالباً آن را برای وراثت به ارث می‌گذارد و این از همه بدتر است. ارث حرص برای حریص چیزی جز خستگی و بی‌تابی و سوختن و نیاسودن نیست.

در قدیم عادت می‌کرد بین بیابان‌گردها بوده که برای راه بردن شترهای سرکش، هویجی را پیشاپیش مرکب آویزان می‌کردند و شتر برای رسیدن به آن گام برمی‌داشته به خیال اینکه با هر قدم به آن می‌رسد. اینطور از مرکبشان سواری می‌گرفتند. دنیا مثل همان هویجی است که مقابل چشمان حریص دنیا دوستان دلبری می‌کند و شلنگ تخته می‌اندازد اما بدون آنکه کامی از آنها را شیرین کند تا خط پایان مرگ آنان را می‌کشاند.

این است که حضرت **علی (ع)** فرمود: حرص، مرکب خستگی و تعب است. (فهرست غرر، ص 60)

ه انسان، حرص، همه‌ها، فقط نه‌ماند است آگ‌حه مالک تمام ثروت‌ها، حمان، گردد. (فهرست غرر، ص 61)

5- حرص هم خوب و بد دارد